

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

مراتب هستی

از منظر ابن سینا و شیخ اشراق

۱۳۸۸

تقدیم

پیشکش به؛

ساحت مطہر انوار واحدہ ملکوتی و ذوات قدسی معصومین : کہ منبع فیض وجود
باری تعالیٰ و سبب خلقت ماسوا هستند و خداوند به سبب خلقت انوار وجود ایشان بر ما
مُنت نهاد و به ولایتشان ما را پاکیزہ گردانید.

و با تقدیمی ویژه؛

این بضاعت مزجات را به بانوی فضیلت و کرامت حضرت فاطمہ معصومہ 3 کہ
سایہ سار عنایات ایشان پیوستہ پناہ تشنگان زلال حقیقت بودہ است اهدا می نمایم.

تشر و تقدیر

ستایش مخصوص خداوندی است که علو مرتبه اش به خاطر قدرت، و نزدیکی اش به مخلوقات به واسطه عطا و بخشش اوست. همو بخشنده تمام نعمت‌ها و دفع کننده تمام شداید و بلاهاست. او را می ستایم در برابر عواطف کریمانه و نعمت‌های وسیع و گسترده اش و به او ایمان می آورم چون مبدأ هستی و ظاهر و آشکار است و از او هدایت می طلبم چون راهنما و نزدیک است و از او یاری می جویم چون توانا و پیروز است و بر او توکل می کنم چون تنها یاور و کفایت کننده است.^۱

درود و سپاس بر تمام برگزیدگان الهی به ویژه پیامبر خاتم 6 و آن یگانه خلقت و مشعل هدایت که بشریت را از ظلمت جهالت رهانید و بر جانشینان برحقش ائمه طاهرین : که امتی را در صراط مستقیم الهی به سوی سعادت رهنمون شدند؛ رحمت و غفران واسعه الهی بر تمام بندگان شایسته و فرهیخته خداوند که قدم صدق در طریق حقیقت نهاده و در پرتو هدایت‌های خداوندی راه قرب الهی را پیمودند خصوصاً دو فیلسوف مسلمان ابوعلی سینا(ره) و شیخ اشراق(ره) و نیز محیی اسلام ناب محمدی در عصر حاضر حضرت امام خمینی ؛ و با آرزوی طول عمر با عزت خلف صالح او و فریادگر توحید در عصر حکومت طاغوت‌ها حضرت آیه الله خامنه‌ای «دام ظلّه».

خداوند متعال را شاکرم که به این بنده عنایت فرمود تا با قلمی ضعیف و بضاعتی اندک، قدمی کوچک در جهت تبیین حقیقت هستی بردارم و در این راستا عنایات الهی مرا دعاگوی سروران معظمی کرد که وجودشان جز خیر و برکت چیزی نیست. رضای الهی را به عنوان برترین پاداش برای همه عزیزانی که از دیرباز تاکنون در امر تعلیم و تربیت کوشیده‌اند آرزومندم به خصوص اساتید گرانقدرم در حوزه علمیه قم، مؤسسه امام صادق 7 و دانشگاه باقرالعلوم 7 و دعای خیر حضرت ولی عصر + را برای پدر و مادر عزیزم که تا همیشه عمر مدیون فیض وجود ایشان هستم و نیز همسر فرهیخته‌ام که در این مسیر، همراهی‌ها و از خودگذشتگی‌های فراوان کرد مسئلت دارم.

در پایان مراتب سپاسگذاری و امتنان خود را ابراز می دارم از استاد راهنما جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر **یدالله یزدان پناه** و استاد مشاور جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر **حسن معلمی** و نیز استاد گرامی آقای محمدحسین حشمت پور که بی تردید قوت‌های این رساله مرهون راهنمایی‌های ارزنده و پیشنهادات سازنده ایشان می باشد.

چکیده

رساله‌ی حاضر در پی بررسی دیدگاه ابن سینا و شیخ اشراق در مورد مراتب هستی است. در این راستا پس از بیان کلیات رساله در فصل اول، نخست به دیدگاه شیخ الرئیس پرداخته می‌شود و بیان می‌شود که وی اساساً یک فیلسوف وجود است که با روش خاص فلسفی خود که مبتنی بر بحث و استدلال است دو اصل اساسی را نتیجه می‌گیرد؛ یکی تمایز میان وجود و ماهیت اشیاء و دیگری تمایز میان واجب و ممکن و بدین سان این اصول، زمینه‌ای می‌شوند تا با تکیه بر آنها جناب ابن سینا مراتب هستی را سامان دهد. مراتب هستی در دیدگاه او نظامی هرمی دارد که در رأس آن واجب الوجود بالذات قرار دارد که همه موجودات امکانی از او ناشی شده‌اند بنابراین سر سلسله هستی، صرف الوجودی است که دارای همه صفات کمالی و منزله از تمام نقایص امکانی است و در مرتبه بعد، موجودات امکانی قرار دارند که همگی زوج ترکیبی از وجود و ماهیت و در نتیجه معلول هستند. ممکنات خود به دو دسته جواهر و اعراض و جواهر نیز به عقل، نفس، جسم و ماده و صورت تقسیم می‌شوند که به ترتیب شرافت، عالم عقول طولیه، عالم نفوس (فلکیه و ارضیه) و عالم اجرام (فلکی و ارضی) را تشکیل می‌دهند.

فصل سوم رساله به دیدگاه شیخ اشراق می‌پردازد که در آن بیان می‌شود وی با ارائه مکتبی بدیع که بر سه عنصر یعنی روش اشراقی، علم النفس اشراقی و متافیزیک نوری پایه‌گذاری شده تحولی عمیق را در حوزه فلسفی به وجود می‌آورد به طوری که در آن علاوه بر پذیرش روش بحثی، شهود نیز به عنوان ابزاری مهم در فهم حقایق پذیرفته می‌شود و از طرفی دیگر مبانی فلسفی مشاء که بر محور موجود پایه‌گذاری شده بود نیز تحول پیدا کرده و همه هستی بر محور نور تفسیر می‌شود. سهروردی با تقسیم عالم به نور و ظلمت معتقد می‌شود که منشأ هستی را نورالانوار تشکیل می‌دهد و همه انوار از او پدید آمده‌اند و ظلمت نیز زائیده از جهت فقر انوار است. نگاه سهروردی به مراتب هستی اگر چه همچون ابن سینا نگاهی هرمی است که در رأس آن نورالانواری قرار گرفته که همه عالم اشعه‌ای از فیض او هستند اما کامیابی او در اتخاذ روش فلسفی بحثی و شهودی این قوت را به او داده است که در نظام عالم مراتبی (عالم مثل و عالم مثال) را مطرح کند که در فلسفه ابن سینا یا وجود نداشته و یا تفسیر ناصوابی از آن شده است علاوه بر اینکه مراتب مورد توافق نیز در فلسفه نوری وی تفسیر و تحلیل‌های جدیدی پیدا می‌کنند.

بنابراین نظام هستی به عالم نور و عالم ظلمت و عالم انوار قاهره نیز به عالم انوار طولیه و عرضیه، عالم انوار اسفهبديه (فلکی و انسانی) و عالم مثال (در مورد نوریت عالم مثال تردیدی وجود دارد که در رساله به آن پرداخته شده است) تقسیم می‌شود که همه آنها جلوه و اشعه‌ای از نور حضرت حق می‌باشند.

فصل پایانی رساله نیز عهده دار بررسی مقایسه‌ای دیدگاه این دو فیلسوف گرانقدر است که در آن ضمن بررسی جامع دیدگاه آنها بیان می‌شود که در حوزه مباحث استدلالی و بحثی، ابن سینا و در حوزه شهودی، شیخ اشراق کامیاب‌تر می‌باشد.

واژگان کلیدی: ابن سینا، شیخ اشراق، مراتب هستی، واجب تعالی، علم عنایی، عقول، عالم مثال، ارباب انواع، عالم ماده، نور، وجود

فهرست مطالب

مقدمه: طرح تحقیق.....	۱
۱- بیان مسئله.....	۲
۲- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن.....	۳
۳- پیشینه پژوهش.....	۴
۴- سؤال اصلی پژوهش.....	۴
۵- سؤالات فرعی پژوهش.....	۴
۶- فرضیه‌های پژوهش.....	۵
۷- پیش فرض‌های پژوهش.....	۵
۸- اهداف پژوهش.....	۵
۹- روش گردآوری.....	۶
فصل اول: کلیات.....	۷
۱-۱. مقدمه.....	۸
۲-۱. مکتب فلسفی و مبانی کلان لازم برای تأسیس آن.....	۱۰
۱- نقطه آغاز.....	۱۱
۲- روش خاص فلسفی و ابزارهای مورد نیاز.....	۱۱
۳- نظام سازوار هستی‌شناختی.....	۱۲
۴- توان حل مسائل جدید.....	۱۲
۵- بنیادهای عام فلسفی.....	۱۲
۳-۱. مکتب مشاء.....	۱۴

- ۴-۱. مکتب اشراق..... ۱۵
- ۵-۱. ابن سینا و مکتب فلسفی او..... ۱۷
- ۱-۵-۱. زندگینامه شیخ الرئیس..... ۱۷
- ۲-۵-۱. مکتب فلسفی ابن سینا..... ۱۹
- ۱-۲-۵-۱. منابع اندیشه ابن سینا..... ۲۱
- ۶-۱. شیخ اشراق و مکتب فلسفی او..... ۲۵
- ۱-۶-۱. زندگینامه سهروردی..... ۲۵
- ۲-۶-۱. مکتب فلسفی سهروردی..... ۲۷
- ۱-۲-۶-۱. منابع حکمت سهروردی..... ۲۸
- فصل دوم: مراتب هستی از دیدگاه ابن سینا**..... ۳۳
- ۱-۲. مبانی کلی نظام فلسفی ابن سینا..... ۳۴
- ۱-۱-۲. موضوع فلسفه..... ۳۴
- ۲-۱-۲. اشتراک معنوی وجود..... ۳۵
- ۳-۱-۲. رابطه وجود و ماهیت..... ۳۶
- ۱-۳-۱-۲. تمایز وجود و ماهیت..... ۳۶
- ۲-۳-۱-۲. عروض وجود بر ماهیت..... ۳۸
- ۳-۳-۱-۲. اصالت وجود..... ۴۲
- ۴-۱-۲. علت و معلول..... ۴۸
- ۱-۴-۱-۲. تعریف علت و معلول..... ۴۹
- ۲-۴-۱-۲. اقسام علل..... ۴۹
- ۳-۴-۱-۲. مناط نیاز معلول به علت از دیدگاه ابن سینا..... ۵۱

- ۵۴..... ۲-۱-۴-۴. مجعول بالذات از دیدگاه ابن سینا.....
- ۵۹..... ۲-۱-۵. تشکیک وجود.....
- ۶۹..... ۲-۲. واجب تعالی.....
- ۷۰..... ۲-۲-۱. اثبات واجب تعالی.....
- ۷۲..... ۲-۲-۲. توحید واجب تعالی.....
- ۷۴..... ۲-۲-۳. اثبات صفات واجب تعالی.....
- ۷۵..... ۲-۲-۴. عینیت صفات واجب تعالی با ذات.....
- ۷۶..... ۲-۲-۵. الواجب ماهیته انیته.....
- ۷۸..... ۲-۲-۶. علم الهی.....
- ۷۹..... ۲-۲-۶-۱. علم الهی به ذات.....
- ۸۰..... ۲-۲-۶-۲. علم الهی به غیر ذات.....
- ۸۶..... ۲-۲-۷. عنایت الهی.....
- ۸۸..... ۲-۲-۸. چگونگی صدور موجودات از واجب تعالی.....
- ۹۱..... ۲-۳-۳. عالم عقول.....
- ۹۱..... ۲-۳-۱. صادر اول.....
- ۹۳..... ۲-۳-۲. عقول طولیه بعدی.....
- ۹۷..... ۲-۳-۳. تعداد عقول طولیه.....
- ۹۸..... ۲-۳-۴. عقل فعال.....
- ۱۰۲..... ۲-۴-۴. عالم نفوس.....
- ۱۰۲..... ۲-۴-۱. مقدمه.....
- ۱۰۵..... ۲-۴-۲. حقیقت نفس.....
- ۱۰۶..... ۲-۴-۳. نفوس فلکیه.....
- ۱۰۶..... ۲-۴-۳-۱. کیفیت صدور نفوس فلکی.....
- ۱۰۷..... ۲-۴-۳-۲. اثبات وجود نفس ناطقه در افلاک.....

- ۱۱۲ ۲-۴-۳-۳. غایت افلاک
- ۱۱۵ ۲-۴-۴. نفوس ارضیه
- ۱۱۶ ۲-۴-۱. اثبات وجود نفس
- ۱۱۸ ۲-۴-۲. اثبات جوهریت نفس (و مغایرت آن با بدن)
- ۱۱۹ ۲-۴-۳. اثبات تجرد نفس
- ۱۲۳ ۲-۴-۴. حدوث نفس
- ۱۲۵ ۲-۴-۵. ارتباط نفس و بدن
- ۱۲۸ ۲-۴-۶. قوای نفس
- ۱۲۸ ۲-۴-۶-۱. قوای نفس نباتی
- ۱۲۹ ۲-۴-۶-۲. قوای نفس حیوانی
- ۱۳۱ ۲-۴-۶-۳. قوای نفس انسانی
- ۱۳۴ ۲-۴-۷. بقاء نفس ناطقه
- ۱۳۶ ۲-۵. عالم ماده
- ۱۳۸ ۲-۵-۱. براهین ابن سینا بر اثبات هیولای اولی
- ۱۳۸ ۲-۵-۱-۱. برهان فصل و وصل
- ۱۳۹ ۲-۵-۱-۲. برهان قوه و فعل
- ۱۴۱ ۲-۵-۲. اجرام سماوی
- ۱۴۲ ۲-۵-۱. کیفیت تکون اجرام سماوی
- ۱۴۳ ۲-۵-۲. احکام اجرام سماوی
- ۱۴۵ ۲-۵-۳. عالم مادون قمر
- ۱۴۵ ۲-۵-۳-۱. کیفیت تکون عالم عناصر
- ۱۴۷ ۲-۵-۳-۲. احکام اجسام عنصری
- ۱۵۰ **فصل سوم: مراتب هستی از منظر شیخ اشراق**
- ۱۵۱ ۳-۱. مبانی کلی نظام فلسفی شیخ اشراق

- ۱-۱-۱۵۱ روش اشراقی: ۱۵۱
- ۲-۱۵۱ علم النفس اشراقی: ۱۵۱
- ۳-۱۵۲ متافیزیک نوری: ۱۵۲
- ۳-۱-۱۵۳ ۱-۱-۳. بداهت نور ۱۵۳
- ۳-۱-۱۵۳ ۲-۱-۳. نسبت نور و ظلمت ۱۵۳
- ۳-۱-۱۵۴ ۳-۱-۳. تقسیمات نور و ظلمت ۱۵۴
- ۳-۱-۱۵۵ ۴-۱-۳. هویت ماهوی انوار ۱۵۵
- ۳-۱-۱۵۶ ۱-۴-۱-۳. معقول ثانی ۱۵۶
- ۳-۱-۱۵۸ ۲-۴-۱-۳. اصالت ماهیت ۱۵۸
- ۳-۱-۱۶۲ ۳-۴-۱-۳. هویت ماهوی انوار ۱۶۲
- ۳-۱-۱۶۴ ۵-۱-۳. تشکیک انوار ۱۶۴
- ۳-۱-۱۶۴ ۱-۵-۱-۳. تشکیک در ماهیت ۱۶۴
- ۳-۱-۱۶۸ ۲-۵-۱-۳. تشکیک در انوار ۱۶۸
- ۳-۱-۱۶۹ ۶-۱-۳. مشاهده و اشراق و مغایرت آنها ۱۶۹
- ۳-۱-۱۷۰ ۷-۱-۳. محبت و قهر در انوار ۱۷۰
- ۳-۱-۱۷۱ ۸-۱-۳. جواز صدور مرکب از بسیط ۱۷۱
- ۳-۲-۱۷۲ ۲-۳. نور الانوار ۱۷۲
- ۳-۲-۱۷۳ ۱-۲-۳. اثبات نورالانوار ۱۷۳
- ۳-۲-۱۷۴ ۲-۲-۳. توحید نورالانوار ۱۷۴
- ۳-۲-۱۷۵ ۳-۲-۳. اثبات صفات نورالانوار ۱۷۵
- ۳-۲-۱۷۶ ۴-۲-۳. عینیت صفات نورالانوار با ذات ۱۷۶
- ۳-۲-۱۷۷ ۵-۲-۳. ماهیت داشتن نورالانوار ۱۷۷
- ۳-۲-۱۷۸ ۶-۲-۳. علم الهی ۱۷۸
- ۳-۲-۱۷۸ ۱-۶-۲-۳. علم الهی به ذات ۱۷۸

- ۱۷۹ ۳-۲-۶-۲. علم الهی به ماسوا.....
- ۱۸۲ ۳-۲-۷. چگونگی صدور موجودات از نورالانوار.....
- ۱۸۳ ۳-۳. عالم انوار قاهره.....
- ۱۸۳ ۳-۳-۱. انوار قاهره طولیه.....
- ۱۸۳ ۳-۳-۱-۱. نور اقرب.....
- ۱۸۵ ۳-۳-۱-۲. انوار قاهره طولیه بعدی.....
- ۱۸۶ ۳-۳-۱-۳. تعداد انوار قاهره طولیه.....
- ۱۹۰ ۳-۳-۲. عالم انواره قاهره عرضیه.....
- ۱۹۱ ۳-۳-۲-۱. کیفیت تکون انوار قاهره عرضیه.....
- ۱۹۲ ۳-۳-۲-۲. تصویر صحیح انوار قاهره عرضیه نزد سهروردی.....
- ۱۹۲ ۳-۳-۲-۱. انحصار انوار قاهره عرضیه در انواع جوهری.....
- ۱۹۳ ۳-۳-۲-۲. مغایرت انوار قاهره عرضیه با انوار مدبره اسفهدیه.....
- ۱۹۳ ۳-۳-۲-۳. کلیت غیر مفهومی انوار قاهره عرضیه.....
- ۱۹۴ ۳-۳-۲-۴. عدم خلق انوار قاهره عرضیه برای مادون.....
- ۱۹۶ ۳-۳-۲-۳. ادله انوار قاهره عرضیه.....
- ۱۹۷ ۱- قاعده امکان اشرف:.....
- ۱۹۷ ۲- نفی اتفاق.....
- ۱۹۹ ۳-۳-۲-۴. نقد سهروردی بر ابن سینا در مسأله مثل.....
- ۲۰۲ ۳-۴-۴. عالم اشباح مجرد.....
- ۲۰۴ ۳-۴-۱. کیفیت تکون عالم اشباح مجرد.....
- ۲۰۵ ۳-۴-۲. ادله عالم اشباح مجرد.....
- ۲۰۶ ۳-۴-۳. نوری بودن عالم مثال از دیدگاه سهروردی.....
- ۲۰۷ ۳-۵-۵. انوار اسفهدیه.....
- ۲۰۷ ۳-۵-۱. حقیقت نور اسفهد.....

۲۰۸ ۲-۵-۳. اقسام انوار اسفهدیه و اثبات آنها
۲۱۰ ۳-۵-۳. کیفیت تکون انوار اسفهدیه
۲۱۱ ۴-۵-۳. حدوث انوار اسفهدیه
۲۱۲ ۵-۵-۳. ارتباط نور اسفهد و بدن
۲۱۴ ۶-۵-۳. قوای نور اسفهد
۲۱۷ ۷-۵-۳. بقای نور اسفهد
۲۱۸ ۶-۳. عالم برازخ
۲۲۳ فصل چهارم: مقایسه دیدگاه ابن سینا و شیخ اشراق
۲۲۴ ۱-۴. مبانی کلی
۲۲۹ ۲-۴. واجب تعالی
۲۳۳ ۳-۴. عالم عقول
۲۳۶ ۴-۴. عالم مثال
۲۳۷ ۵-۴. علم النفس
۲۳۷ ۶-۴. عالم ماده
۴۴۴۴۴۴۴ فهرست منابع

مقدمه:

طرح تحقیق

۱- بیان مسئله

از همان آغاز حیات انسان بر زمین، شناخت کنه عالم مادی و شناخت عوامل فوق مادی و در رأس همه حضرت حق از دغدغه‌های بشر بوده است و نوعاً مکاتب بسط یافته مانند مشاء و اشراق، موجودات هستی را به صورت دستگاه سازوار هستی‌شناختی مورد بررسی قرار می‌دهند، از این رو بحث مراتب هستی و چینش نظام هستی از دغدغه‌های مهم ابن سینا و شیخ اشراق به عنوان نمایندگان اصلی مکتب فلسفی مشاء و اشراق می‌باشد.

رساله حاضر می‌کوشد توضیح دهد که چگونه این دو فیلسوف عظیم الشان با مبانی فلسفی خاص خود که یکی مبتنی بر وجود و دیگری مبتنی بر نور است نظام هستی را سامان می‌دهند؛ از طرف دیگر مشرب متفاوت فلسفی ایشان که یکی بر بحث و استدلال و دیگری بر ذوق و شهود تأکید می‌کند می‌تواند ما را به رهیافت‌های متفاوت این دو فیلسوف در تبیین نظام عالم و مراتب هستی رهنمون کند لذا رساله حاضر در تلاش است گزارشی جامع از دیدگاه ابن سینا و سهروردی در مورد چینش نظام هستی ارائه کرده و تفاوت‌ها و اختلافات آنها را در این رابطه توضیح دهد و به گونه‌ای مقایسه‌ای نظریه آنها را مورد بررسی قرار دهد و به عبارت دیگر این پایان‌نامه در پی بررسی نظام فلسفی ابن سینا و شیخ اشراق در مورد مراتب هستی می‌باشد یعنی می‌خواهد بررسی کند که ابن سینا و شیخ اشراق به عنوان دو فیلسوف مسلمان و صاحب مکتب چه پاسخی به حسّ جستجوگر انسان در مورد هستی و مراتب موجودات می‌دهند و تلاش آنها در چینش نظام هستی در مقایسه با هم چقدر کامیاب است. لازم به ذکر است که رساله حاضر عمدتاً به گزارش و توصیف دیدگاه این دو در مورد مراتب

هستی می‌پردازد و در این راستا اگرچه به عنوان نمونه استدلالی نیز ذکر می‌شود اما ذکر تفصیل ادله و استقصای همه موارد ضرورتی ندارد.

۲- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

بحث از مراتب هستی در واقع کنکاشی در عالم هستی و شناخت وسایط فیض الهی است. دغدغه تبیین جایگاه مخلوقات در نظام هستی و چگونگی ارتباط آنها با حضرت حق به عنوان سرسلسله هستی از اموری است که در فلسفه ابن سینا و شیخ اشراق مطرح شده و نگاه کلان به مکاتب فلسفی و مقایسه آنها می‌تواند ما را در فهم بهتر فلسفه‌ها و چگونگی نگاه فیلسوفان به مراتب هستی و ارتباط مراتب با یکدیگر مدد دهد لذا می‌طلبید تا دیدگاه این دو فیلسوف گرانقدر که دغدغه حل مسائل دینی و خاصه در مباحث ما ارائه تبیینی صحیح از جایگاه وجودی مخلوقات و ترتیب آنها و نیز جایگاه سرسلسله کائنات که همه عالم شأنی از شؤون اویند را داشتند مورد بررسی قرار دهیم.

این بررسی اولاً موجب آشنایی انسان با جهان پیرامون خود و عظمت آن گشته و در نهایت تقرّب به حضرت حق را در پی خواهد داشت چون به هر حال ابن سینا و شیخ اشراق دو فیلسوف مسلمان بودند و همه تلاش آنها تبیین چگونگی ارتباط نظام هستی با خالق پر عظمت آنها بوده است و ثانیاً نشان داده می‌شود که شیخ الرئیس و سهروردی چگونه مراتب هستی را سامان داده‌اند و کاستی‌های آنها چیست. از طرف دیگر به یقین فهم حکمت متعالیه صدرایی بدون درک عناصر مشائی و اشراقی آنها میسر نیست علاوه بر آنکه حکمت اشراق یکی از مکاتب بزرگ فلسفه اسلامی و حلقه واسطه بین مشاء و متعالیه است که عمدتاً مورد غفلت واقع می‌شود در حالی که نزدیک به پنج قرن یکی از دو جریان بزرگ حکمت اسلامی بوده است. لذا بررسی آن از دو جهت حائز اهمیت خواهد بود اولاً آشنایی با فلسفه مشاء و مقدار کناره گرفتن شیخ اشراق از ایشان و ثانیاً فهم حکمت متعالیه و میزان استفاده آن از حکمت اشراق.

علت انتخاب این موضوع علاوه بر نکات مذکور، دغدغه شخصی و علاقه اینجانب به

این موضوع و عدم وجود رساله‌ای با این عنوان که به گونه‌ای نظام‌مند دیدگاه این دو فیلسوف در مورد مراتب هستی را بررسی کند بوده است.

۳- پیشینه پژوهش

با توجه به تحقیقاتی که اینجانب کرده‌ام و با اطلاعاتی که از معاونت پژوهش گرفته شده موضوعی با این عنوان یافت نشد اما این بحث به طور خیلی خلاصه در حد چند صفحه در کتب تاریخ فلسفه یا برخی از مقالات آن هم به طور مقایسه‌ای وجود دارد و نیز پایان‌نامه‌هایی وجود دارد که به برخی از مباحث مثلاً عالم مثل یا مثال و... پرداخته و آن نیز مثلاً از دیدگاه یکی از این دو شخصیت و به طور مختصر مثلاً اشاره‌ای به نظر ابن سینا و سهروردی.

۴- سؤال اصلی پژوهش

سؤال اصلی که این پژوهش به دنبال آن است این می‌باشد که:
«مراتب هستی از دیدگاه ابن سینا و شیخ اشراق چگونه سامان یافته و اشتراکات و افتراقات آنها چیست؟»

۵- سؤالات فرعی پژوهش

- ۱- ابن سینا و شیخ اشراق بر چه اساس و مبنایی مراتب هستی را سامان می‌دهند؟
- ۲- رابطه مراتب با یکدیگر در هر یک از این دو دیدگاه چگونه است؟
- ۳- روند پیدایش مراتب از یکدیگر در این دو دیدگاه چگونه است؟
- ۴- کارکرد هر یک از مراتب هستی در این دیدگاه چیست؟
- ۵- ابن سینا علم عنایی را چگونه تصویر کرده و موضع شیخ اشراق در این رابطه چیست؟
- ۶- دیدگاه ابن سینا و شیخ اشراق در مورد عقول طولیه و عرضیه چیست؟
- ۷- جایگاه عالم مثال در چیش هستی‌شناسانه اشراقی چیست و دیدگاه ابن سینا در این

رابطه چیست؟

۸- ابن سینا و شیخ اشراق در مورد عالم ماده چه دیدگاهی دارند؟

۶- فرضیه‌های پژوهش

برخی^۱ بر این عقیده‌اند که حکیم سهروردی در فلسفه جز تغییر در اصطلاحات کار دیگری نکرده است و بر این اساس، چندان اختلاف و افتراقی با مشاء ندارد در مقابل گروهی برآنند که جناب شیخ اشراق در عین آن که از بستر مشائی بهره می‌برد و خود در ابتدا مشائی بوده است اما به طور روشن از این مکتب جدا شده و مکتبی مستقل را تدوین کرده که در آن برخی از مراتب هستی را افزوده و برخی از مراتب موجود در فلسفه مشاء را منتفی دانسته و نیز مراتب مورد اتفاق هم در دستگاه نوری اشراقی او تفسیر و تحلیل جدید و مستقلاً پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد دیدگاه دوّم صائب‌تر باشد به این معنا که ابن سینا و شیخ اشراق در مورد مراتب هستی و چگونگی تبیین آنها اختلافات و اشتراکاتی دارند که این امر نیازمند تأمل و تحقیق و بررسی است که این رساله در پی آن می‌باشد.

۷- پیش‌فرض‌های پژوهش

واقعیت یک حقیقت ضروری و غیر قابل انکار است و لذا مکتب شک‌گرایی و سفسطه باطل است و ما می‌توانیم به واقعیت و حقیقت هستی آن گونه که هست به قدر سعه وجود خود دست پیدا کنیم لذا بنا نداریم به تردیدها و مناقشات برخی فلاسفه غرب و شرق در حوزه معرفت‌شناسی پاسخ دهیم و از طرف دیگر اینکه دو مکتب فلسفی مشاء و اشراق دو مکتب هستی‌شناختی بسط یافته‌اند که طبیعتاً عمده مباحث فلسفی ابن سینا و شیخ اشراق به عنوان نمایندگان این دو مکتب و مبانی آنها به بحث مراتب هستی و تبیین آنها مربوط است.

۸- اهداف پژوهش

هر انسانی دوست دارد جهان پیرامون خود و جایگاه وجودی خویش را بازشناسد و این

۱ - مانند ابن کمونه و مرحوم آیت الله الهی قمشه‌ای؛ به نقل از: حسن حسن‌زاده آملی، هزار و یک نکته، تهران: رجاء،

مسئله یکی از مباحث اختلافی بین متکلمین، فلاسفه و عرفاء است و شخصیت‌های مطرح این علوم نیز در این مسئله، تفاوت‌هایی دارند بنابراین اهداف این پژوهش و ضرورت‌های خاص آن را می‌توانیم در این موارد خلاصه کنیم:

۱- با بررسی دیدگاه ابن سینا و شیخ اشراق در مورد مراتب هستی، جایگاه وجودی مخلوقات و ترتیب نظام هستی و وسائط فیض الهی در عالم، دیدگاه این دو فیلسوف اسلامی به عنوان شاخص‌ترین نمایندگان مکتب مشاء و اشراق روشن می‌گردد علاوه بر اینکه با مقایسه آنها کاستی‌ها و سیر رشد تفکر فلسفی و تلاش فیلسوفان مسلمان و مقدار موفقیت آنها روشن می‌گردد.

۲- اگر ما این عالم را تفصیل آن حقیقت بسیط من جمیع الجهات بدانیم آشنایی با هر مرتبه‌ای از وجود و هر موجودی، تقرّب بیشتر به حضرت حق را ناشی می‌گردد و این آگاهی، شوق و عشقی وصف‌ناپذیر را به آن ذات نامتناهی و سرسلسله هستی موجب می‌شود.

۳- این پژوهش آثار عمیق اعتقادی و هستی‌شناسی دارد زیرا پذیرش هر دیدگاه موجب تغییر در جهان‌بینی و بینش فکری شخص می‌شود.

۴- ضرورت دیگر پرداختن به این موضوع، عدم وجود پژوهشی به این وسعت و به طور مقایسه‌ای است که می‌طلبد این کاستی جبران شود.

۹- روش گردآوری

روش گردآوری اطلاعات و محتوای تحقیق، کتابخانه‌ای و استفاده از مکتوبات دو حکیم مسلمان یعنی ابن سینا و شیخ اشراق و نیز توجه به کتب شارحان این دو مکتب فلسفی است. علاوه بر اینکه استفاده از محضر اساتید فلسفه و حکمت نیز در این راستا سهم بسزایی دارد.

فصل اوّل:

کلیات

۱-۱. مقدمه

فلسفه مولود نگرش عقل آدمی به اصل وجود و دریافت و شناخت مبادی اولی در آن است؛ آدمی با چراغ عقل که پرتوی است از نور باری تعالی به قلمرو ناشناخته وجود قدم می‌نهد، به تتبع در احوال موجودات می‌پردازد تا به درک حقایق آنها نائل آید و سلسله علل را بشناسد و این کتاب بی‌انتهای آنها را صفحه به صفحه ورق می‌زند تا به *علة العلل* که هر چیز از او و برای اوست برسد. سپس باز می‌گردد و به تحلیل عناصر و طبایع می‌پردازد تا پرده از حقیقت جواهر و اعراض بردارد و به تقسیم و ترتیب حقایق می‌پردازد تا آنگاه که صورت روشنی از عالم وجود برای او حاصل شود و کیفیت انسجام اشیاء را در ذات خود و آنچه خارج از ذات اوست را تفسیر و توجیه کند.^۱

فلسفه چیزی جز انعکاس غریزه جستجوگر انسانی نیست؛ غریزه‌ای که از گهواره تا گور در وجود اوست و لذا هر جا انسانی گام نهاده تعقل و تفکر را با خود همراه آورده است و البته از اندیشه‌های نانوشته بشر، اطلاعات متقن و دقیقی در دست نیست جز آنچه که باستان‌شناسان بر اساس آثاری که از حفاریها به دست آمده است حدس می‌زنند اما اندیشه‌های مکتوب اعم از فلسفی و غیر فلسفی از این قافله بسیار عقب مانده و طبعاً تا زمان اختراع خط به تأخیر افتاده است.^۲ این افکار به مرور زمان، شکل منظمی به خود گرفت و تابع رشته مستقلی شد و آدمی توانست آن افکاری را که در مورد عالم هستی و انسان بود را در مجموعه واحدی

۱ - حنا الفاخوری، خلیل الجر، *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی*، عبدالمحمد آیتی، پنجم تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۳.

۲ - جمعی از نویسندگان، *تاریخ فلسفه اسلامی*، اول، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۹.